

بررسی ماهیت تربیتی تفکر انتقادی از دیدگاه اسلام و پسا ساختارگرایی

The study of the Educational Nature of Critical thinking both From the
Islamic View Point and Post Structuralism

دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۶/۲۵؛ دریافت نسخه نهایی: ۱۳۹۲/۱۰/۱۵؛ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱/۲۳

T. Mahrozadeh, (Ph.D) & B. Shahi, (M.A)

Abstract: The aim of present research is the explanation of critical thinking in educational context from the Islamic view point and post structuralism and the comparison of the two approaches. Also this research tries to answer the questions of the nature critical thinking. The methods of fostering critical thinking, the impediments in developing critical thinking, and the similarities and difference between Islam and past structuralism regarding critical thinking. This research is descriptive applied which has a qualitative nature. The comparative approach based on Brudi method is utilized. From the view point of poststructuralists truth is the construct of discourses and the result of power relations the epistemology of poststructuralist is based on pluralism, deconstructing, decentralization of intellect. The rejection of dualism and attention to language is in the construction of knowledge and truth. In Islam absolute truth is the source of creation and human being is the discoverer of truth. Critical thinking of post structuralism is based on self-actualization attending. Other cultures and discourse, cultural pluralism and epistemological attitudes. The method of fostering critical thinking includes the analysis of discourse, deconstruction, interactional and participatory methods, reading critically, and use of text. Critical thinking in Islam is based on fostering theoretical and practical intellect. The methods of critical thinking includes the application of wisdom, accumulating experience, using controversy and dialectic. Questioning and tolerance. In general critical thinking in Islam has the human being as its axis and mores toward the ideal goals of Islam, while in post structures view humans as a means of reforming structures and the aim is deconstructive citizenship education. In effect, it can be said that past structuralist thinking which the critique of metanarrative and ideologies, is in contrast which Islamic thoughts and critical thinking in Islam in the frame work of the principle of impossibility of analogy of some religious axioms and knowledge is acceptable.

Key words: critical thinking, education, past structuralism, Islam.

طیبه ماهرزاده^۱ و بتول شاهی^۲

چکیده: هدف پژوهش حاضر تبیین تفکر انتقادی در تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام و پسا ساختارگرایی و مقایسه این دو رویکرد بوده است. همچنین به سوالات پژوهش درباره ماهیت تفکر انتقادی، روش‌های پرورش تفکر انتقادی، موانع رشد تفکر انتقادی و وجوه تمایز و افتراق تفکر انتقادی از دیدگاه اسلام و پسا ساختارگرایی پاسخ داده شد. روش پژوهش از نوع توصیفی- کاربردی با ماهیت کیفی است. پژوهش به شیوه مقایسه‌ای و به صورت برودی انجام شده است. در نظر پسا ساختارگرایان حقیقت ساخته گفتمان‌ها و حاصل روابط قدرت است. معرفت‌شناسی پسا ساختارگرایی مبتنی بر کثرت‌گرایی، ساختار شکنی، تمرکززدایی از عقل، رد دوگانگی و توجه به زبان در ساخت دانش و حقیقت است. در اسلام حقیقت مطلق سرچشمه خلق است. و انسان کاشف حقیقت می‌باشد. تفکر انتقادی پسا ساختارگرا بر تحقق خود، توجه به سایر فرهنگ‌ها و گفتمان‌ها، نگرش تکثرگرایی فرهنگی و معرفت‌شناختی مبتنی است. روش تربیت تفکر انتقادی شامل تحلیل گفتمان، ساختار شکنی، روش تعاملی و مشارکتی، خواندن نقادانه و استفاده از متن است. تفکر انتقادی در اسلام مبتنی بر پرورش عقل نظری و عملی است. روش‌های تربیت تفکر انتقادی شامل خردورزی، تجربه‌اندوزی، مناظره، مباحثه، پرسشگری و شرح صدر است. به‌طور کلی تفکر انتقادی در اسلام با محوریت انسان و در جهت نیل به اهداف غایی اسلام است، در حالی که پسا ساختارگرایان انسان را وسیله اصلاح ساختارها دانسته و هدف، تربیت شهروندی ساختار شکن است. در حقیقت می‌توان گفت تفکر پسا ساختارگرا با نقد فراروایت‌ها و ایدئولوژی‌ها، با اندیشه اسلامی در تضاد است و تفکر انتقادی در اسلام، در چهار چوب اصل قیاس‌ناپذیری برخی احکام و معارف دینی قابل قبول است.

کلید واژه‌ها: تفکر، تفکر انتقادی، تعلیم و تربیت، پسا ساختارگرایی، اسلام

مقدمه

یکی از مباحث مطرح در نگرش پسا ساختارگرایی، تفکر انتقادی است. نظریه انتقادی نتیجه چالش‌های فکری افرادی چون هورکهایمر، ادورنو و مارکوزه درباره آراء هگل، مارکس و فروید بوده است که به مکتب فرانکفورت شهرت یافت. این مکتب به‌عنوان پیشگام اندیشه انتقادی شناخته شد. بیش از یک دهه است که تفکر پسا ساختارگرا، آموزه‌های تربیتی را تحت‌تاثیر قرار داده و از پیامدهای آن تعلیم و تربیت انتقادی است.

تعلیم و تربیت انتقادی بر تفکر انتقادی، تحقق خود، توجه به سایر فرهنگ‌ها و گفتمان‌ها، استفاده از روش گفتگو و مذاکره و دستیابی به نگرش تکثرگرا تاکید دارد. نگرش پسا ساختارگرا در حوزه تعلیم و تربیت بر تکثرگرایی معرفتی استوار است. روش تدریس این رویکرد تربیتی مبتنی بر دیالکتیک، تعامل و گفتگوی نقادانه است (دشتی، ۱۳۸۴، ص، ۶). از آن‌جا که نظام تعلیم و تربیت پسا ساختارگرا، نظامی انتقادی است، امکان نقد سازنده اهداف آموزشی، مدل‌های برنامه درسی و مدیریتی را فراهم می‌سازد. هم‌چنین زمینه گسترش شیوه‌های نوین پژوهش چون روش تفسیر را جهت بررسی دقیق رویدادهای آموزشی و عناصر برنامه درسی مهیا می‌کند. نظام تربیتی اسلام بر نقد اندیشه استوار است. زیرا توانایی نقد، امکان تمیز و تشخیص درست از نادرست و نیز قضاوت صحیح و صریح را فراهم می‌سازد. تفکر انتقادی موجب خواهد شد تا زمینه شناخت دقیق و عمیق فراهم شود. از منظر اسلام داشتن روحیه انتقادی به‌ویژه نقد از خود و انتقادپذیری ضمن آن‌که از ویژگی‌های انسان کامل به‌حساب آمده، لازمه پویایی و زمینه‌ساز حرکت تکاملی فرد و جامعه اسلامی است.

عصر کنونی، عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات است. گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات موجب توسعه علم و تکنولوژی بوده است. از سوی دیگر با گسترش فناوری اطلاعات، انسان همواره با حجم بالایی از اطلاعات مواجه است، برای آن‌که بتوان علم و فناوری را در مسیر صحیح به‌کار گرفت، می‌بایست آن‌را مورد نقد و بررسی دقیق قرار داد. حجم بالای اطلاعات و پذیرش آن مستلزم پرورش قوه تمیز و تشخیص و داوری صحیح است که این امر به‌وسیله تفکر انتقادی محقق خواهد شد.

نظام تعلیم و تربیت تحت‌تاثیر تحولات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جهانی همواره در حال تغییر و تحول است. پس باید مورد رصد قرار گرفته و در بوته نقد سنجیده شود، زیرا در غیر این‌صورت یا ماهیتی راكد و ایستا پیدا خواهد کرد و یا بدون نقد پذیرفته خواهد شد. از سوی دیگر عده‌ای از اندیشمندان و فیلسوفان تربیتی سعی دارند آموزه‌های متاثر از نظرات پست مدرن را استنباط کرده و در اختیار نهادهای تربیتی قرار دهند. به همین جهت پسا ساختارگرایی

بررسی ماهیت تربیتی تفکر انتقادی از دیدگاه اسلام و پسا ساختارگرایی

هم به عنوان نگرش پست مدرن که خود باید مورد نقد قرار گیرد و هم به عنوان نظامی انتقادی که در شکل گیری تعلیم و تربیت انتقادی عامل مهمی به شمار می آید باید مورد مطالعه قرار گیرد. بیش از یک دهه است که تفکر پسا ساختارگرایی آموزه های تربیتی را تحت تاثیر قرار داده است. یکی از پیامدهای آن، تعلیم و تربیت انتقادی است. پیام تعلیم و تربیت انتقادی آن است که ساختارهای غیرمنعطف و دیوان سالارانه نباید نظام تعلیم و تربیت و عناصر آن را محدود سازد. هدف از پژوهش حاضر تبیین ماهیت تفکر انتقادی و شیوه های پرورش آن از منظر اسلام و پسا ساختارگرایی و نیز رشد تفکر انتقادی و وجود تمایز و افتراق آن از منظر اسلام و پسا ساختارگرایی است. پرسش های پژوهش عبارتند از:

- ماهیت تربیتی تفکر انتقادی از دیدگاه اسلام و پسا ساختارگرایی چیست؟
 - روش های تربیت تفکر انتقادی از دیدگاه اسلام و پسا ساختارگرایی کدام است؟
 - موانع رشد تفکر انتقادی از دیدگاه اسلام و پسا ساختارگرایی چه می باشد؟
- پژوهش حاضر پژوهشی کیفی و از نوع توصیفی- کاربردی است. روش پژوهش مقایسه ای می- باشد. بدین معنا که تفکر انتقادی در این دو رویکرد به روش برودی طی چهار مرحله توصیف، تفسیر، هم جویی و مقایسه انجام شده است. منابع مورد استفاده، اسناد و مدارک مکتوب و غیرمکتوب می باشد. برای پاسخ گویی به سوالات پژوهش نخست ماهیت تفکر انتقادی در دو مکتب اسلام و پسا ساختارگرایی تبیین گردید، سپس روش های تربیت تفکر انتقادی از دیدگاه اسلام و پسا ساختارگرایی و نیز موانع دستیابی به تفکر انتقادی تبیین و مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

پیشینه تحقیق

اصطلاح تفکر انتقادی برای اولین بار در سده پنجم پیش از میلاد در فرهنگ یونان و آتن ظهور یافت. سقراط نخستین فیلسوفی است که به داور روزگار خویش لقب یافت. روش تربیتی او بر پایه "گفتمان" بنا شده است (جهانی، ۱۳۸۰، ص، ۱۲). گفتمان از اصول پسا ساختارگرایی است. به نظر افلاطون گفتمان هنر بحث کردن و تسلط یافتن بر آن است. هدف از گفتمان تهیه اطلاعات درباره یک موضوع نیست، بلکه غرض تعیین موضوعی است که باید مورد بحث قرار گیرد (فضل الله، ۲۰۰۳، ص، ۴۵).

در نیمه دوم قرن بیست مباحث فلسفه پست مدرن مورد توجه محافل علمی و دانشگاهی قرار گرفت. "اصطلاحات مدرنیسم و پست مدرنیسم در دهه ۱۹۸۰ با مناظره هابر ماس و فوکو وارد جامعه شناسی شد. از نظر جامعه شناسی می توان نوعی ارتباط بین ساختارگرایی، پسا ساختارگرایی و پست مدرنیسم قائل شد. پسا ساختارگرایی یکی از رویکردهای مهم پست

مدرنیسم است که از دهه ۱۹۶۰ در ادبیات و مباحث فلسفی مطرح شد. اولین بنیان‌گذاران آن را اندیشمندان فرانسوی از جمله دریدا، فوکو و بارت دانسته‌اند.

از عناصر اصلی رویکرد پساساختارگرایی، تفکر انتقادی و تعلیم و تربیت انتقادی است، مهارت‌های تفکر انتقادی مبتنی بر مهارت‌های اساسی تفکر چون توجه به جزئیات روشن به منظور شناخت الگوها، مقایسه آن‌ها، پیش‌بینی نتایج، دسته‌بندی و طبقه‌بندی موضوعات می‌باشد (استلا، ۲۰۰۵، ص، ۱۳). از سوی دیگر تفکر انتقادی در زمره انواع تفکر محسوب می‌شود، از این رو به تبیین آراء ارائه شده و درباره ماهیت تفکر و انواع آن می‌پردازیم.

آراء و نظرات در باب ماهیت تفکر، به دو دسته تقسیم می‌شود. نخست آنان که تفکر را امر واحد ندانسته، معتقدند تفکر دارای اشکال مختلف است و هر یک ماهیت مخصوص به خود را دارا است. دوم آنان که تفکر را امری واحد می‌دانند و معتقدند تجزیه فرایند تفکر به ابعاد مختلف منطقی نمی‌باشد. در نظر ایشان فرایند تفکر، حل مسئله و تحقیق تقریباً یکسان است (شریعتمداری، ۱۳۸۲، ص، ۱۱۵). دیوئی را می‌توان در این زمره به حساب آورد.

انواع تفکر را می‌توان از نظر ساختارها (مهارت) و کارکرد مطالعه کرد. تفکر از دید ساختاری از آن حیث که نیاز به مهارت‌های مختلف دارد، دارای ساختار متنوع است. تفکر از دید کارکردی، فرایندی است، با کارکردهای مختلف که ویژگی بارز آن پویایی آنست.

هیلتا تابا تفکر را به‌منزله داد و ستد میان فرد و اطلاعات می‌داند که دانش‌آموز در اثر تعامل با آن به نتایج، تعمیم‌ها و مفاهیم دست می‌یابد. فرض تابا بر این است که برای چیرگی بر مهارت‌های خاص تفکر، نخست باید بر مهارت‌های معین قبل از آن تسلط یافت و این توالی را نمی‌توان معکوس کرد.

در یک تقسیم‌بندی تفکر را به تفکر استقرائی، قیاسی، منطقی، خلاق و انتقادی تقسیم کرده‌اند (شریعتمداری، ۱۳۷۱، ص، ۱۴). ارنشتاین و هایکنس (۱۹۹۸) تفکر را شامل تفکر منطقی، انتقادی، خلاق و شهودی می‌دانند (اسدی، ۱۳۸۶، ص، ۶۳).

تفکر انتقادی

جان دیوئی^۱ را پدر تفکر انتقادی نامیده‌اند، به نظر وی تفکر انتقادی شامل، بررسی دقیق و پایدار هر باور و یا دانش فرضی مدلل است که به نتیجه منتج می‌شود (فیشر، ۲۰۰۱). بیر^۲ (۱۹۸۵) تفکر انتقادی را عاملی جهت ارزیابی صحیح و ارزش‌گذاری دانش و باورها می‌داند. در

1. Jahn Dewey

2. Beyer

نظر سایمون و کاپلان^۱ تفکر انتقادی به معنی دارا بودن قضاوت استدلالی است. انجمن روان-شناسان آمریکا^۲ ۱۹۹۰ در بیانیه خود تفکر انتقادی را قضاوتی خود ساخته و هدفمند دانسته که متکی بر دلیل و مدرک، توضیح مفهومی، نظم، قانون و قاعده است و منجر به تفسیر، تحصیل، ارزیابی و استنباط می‌شود. فیشر (۲۰۰۱) تفکر انتقادی را، "فکر کردن درباره فکر کردن" دانسته، معتقد است تفکر انتقادی نوعی روش اندیشیدن درباره موضوع، محتوا یا مساله است که به وسیله شخص متفکر اتخاذ شده تا از طریق به کارگیری ساختارهای درونی اندیشه کیفیت تفکر خود را ارتقاء بخشیده، استانداردهای فکری را براساس آن پایه‌ریزی نماید.

اسمیت (۲۰۰۱)، هالپرن و والش^۳ و کلمن تعاریف کاربردی از تفکر انتقادی ارائه کرده‌اند. اسمیت، تفکر انتقادی را کاربرد مهارت‌ها می‌داند. هالپرن تفکر انتقادی را مهارت‌های شناختی و کاربردی دانسته که احتمال دستیابی به نتیجه مطلوب را افزایش می‌دهد. والش معتقد است تفکر انتقادی مهارتی است که می‌توان در هر کس و در تمام سنین پرورش داد و ضرورتاً نیازمند بلوغ فرد نمی‌باشد. به طور کلی می‌توان گفت عنصر کلیدی در تعاریف تفکر انتقادی "داوری درست است و مهارت‌های شناختی محور اصلی آن را تشکیل می‌دهد. این مهارت‌ها شامل تفسیر، ارزشیابی، استنباط، توضیح و خودتنظیمی می‌باشد. برخی چون انیس^۴ (۱۹۹۶) تفکر انتقادی را از بعد تمایل‌ها و گرایش‌ها مورد مطالعه قرار داده‌اند. وی معتقد است تفکر انتقادی، تفکر منطقی، تاملی و مستدل است که بر تصمیم‌گیری در خصوص باورها و انجام آن تمرکز دارد. در نظر وی تفکر انتقادی نقد صرف نیست، بلکه قضاوتی هدفمند و خود محور است که مستلزم مهارت‌های تفسیر، تحلیل، ارزشیابی و استنتاج است.

انیس تفکر انتقادی را تشخیص صحیح وضعیت موجود می‌داند. به نظر وی فرایند تفکر انتقادی شامل به کارگیری مهارت‌ها، توانایی‌ها و آمادگی‌های مرتبط با آن در یک دیسیپلین ویژه است. او فهرستی از توانایی‌ها را با عنوان "اهداف برنامه تفکر انتقادی" ارائه کرده است. انیس معتقد است، عمل انتقادی، مستلزم ترکیب این توانایی‌ها است. فهرست توانایی‌های انیس در همه شرایط کاربرد ندارد و با توجه به موضوعات درسی متفاوت است. هم‌چنین تمامی مهارت‌ها به مهارت نخست یعنی "درک معنای یک عبارت" بستگی دارد. یعنی در صورتی می‌توان به تناقضات پی برد و یا درباره یک حکم ارزشی قضاوت نمود که معنای عبارت درک شود. در نظر وی دانش زمینه یا دیسیپلین مستقل و مشخص، برای تفکر انتقادی ضروری است. زیرا اگر فردی نسبت به

-
1. Simon & Kaplan
 2. American Psychology Association
 3. Smit, Halpern, Walsh
 4. Ennis

موضوع درسی و یا زمینه‌ای معین آگاهی نداشته باشد، نمی‌تواند درباره آن درست قضاوت نماید. بدین ترتیب دانش زمینه و به‌عبارت دیگر موضوعات درسی دارای اهمیت بسیارند. بنابراین می‌توان گفت در نظر انیس تفکر انتقادی دارای عناصر عمومی و اختصاصی است. اصول و معیارهای آن عمومی و دانش زمینه برای به‌کارگیری عناصر عمومی، اختصاصی است.

لیپمن معتقد است تفکر انتقادی، تفکری مبتنی بر معیار است و از نتایج آن قضاوت صحیح می‌باشد. به‌نظر وی بین معیار، انتقاد و قضاوت ارتباط منطقی وجود دارد. معیار، ابزاری برای قضاوت است و قضاوت مهارتی است که بدون معیار انجام‌پذیر نبوده و قابل ارزیابی نمی‌باشد. هر عقیده یا نظری باید با ارائه دلیل همراه باشد. معیار نوعی دلیل معتبر است که براساس آن قضاوت و ارزیابی صورت می‌پذیرد. برخی تعریف لیپمن را بهترین تعریف دانسته‌اند زیرا معیار را با مهارت‌های شناختی درآمیخته دانسته‌اند.

نظریه‌های همسو با آموزش تفکر انتقادی عبارتند از نظریه‌های شناختی، فراشناخت و ساخت-گرایی (شعبانی، ۱۳۸۲، ص، ۱۹). نظریه‌پردازان شناختی، در فرایند یادگیری به دانش‌آموزان هم‌چون پردازش‌کنندگان اطلاعات می‌نگرند، کسانی که تجربه می‌کنند و برای حل مساله به جست‌وجوی اطلاعات پرداخته، در ساختار ذهن خود آن‌چه را که برای حل مسائل جدید مفید تشخیص می‌دهند به‌کار می‌گیرند. ساخت‌گرایی ریشه در تفکر شناختی دارد. به‌عنوان مثال، کارل برایتز از تمرکز مدارس بر آموزش مهارت‌های مرسوم به ۳R (خواندن، نوشتن و حساب کردن) و مهارت‌های تفکر حمایت کرده است. دیوید آزوبل^۱ نیز الگوی شناختی پیش‌سازمان دهنده^۲ را معرفی کرده است. این الگو معرف رویکرد تفکر قیاسی است که در تدریس مبتنی بر پیش‌سازمان‌دهنده می‌باشد (جویس و ویل، ۱۹۸۶، ص ۷۳) و نیز (سان سن وال، ۱۹۹۵، ص، ۷۰).

ساخت‌گرایی ریشه در تفکر شناختی دارد. در نظر ساخت‌گرایان برای فهم پدیده‌ها باید به ساختارهای ذهنی و فرهنگی مسلط رجوع کرد. پایه‌های فلسفی این رویکرد بر اصل خطاپذیری معرفت استوار است (شعبانی، ۱۳۸۲، ص، ۳۰). بنابراین تمامی معرفت بشری به‌دلیل محدودیت و نسبی بودن ادراکات انسان، خطاپذیر است. در نظر ساخت‌گرایان یادگیری فرایند ادراک است که بر اثر تجربه حاصل می‌شود، بنابراین مجریان برنامه‌های درسی باید موقعیتی را فراهم سازند که در آن، شاگردان از طریق مباحثه استدلالی که عمل‌تعامل و تحلیل را تسریع و تسهیل می‌کند، به تفکر بپردازند. تاکید بر فرایند ساختار دانش به جای تولید مجدد آن، پرورش اعمال

1. David Ausubel

2. Advance organizer

بررسی ماهیت تربیتی تفکر انتقادی از دیدگاه اسلام و پسا ساختارگرایی

متفکرانه، آموزش و یادگیری مشارکتی، توجه به فراشناخت، خودتنظیمی و خودکنترلی دانش-آموزان و فراهم کردن فرصت‌ها و موقعیت‌های غنی یادگیری و توجه به حل مساله در مرکز ثقل رویکرد ساخت‌گرایی قرار دارد (میلر، ترجمه مهرمحمدی، ۱۳۸۳، ص، ۴۳). فراشناخت را "تفکر درباره تفکر" تعریف کرده‌اند. فراشناخت عبارت از آگاهی به فرایندهای شناختی خود، تنظیم، نظارت و ارزیابی تفکر خویش است.

پسا ساختارگرایی

پسا ساختارگرایی اندیشه‌ای نقادانه است که ریشه در آراء نیچه دارد و به دنبال نقد ساختارگرایی ظهور یافت. نیچه نخستین فیلسوفی است که با نقد ارزیابی ارزش‌ها، مفاهیمی چون حقیقت، اخلاق و معرفت را به چالش کشید. پس از او هایدگر بنیان‌های متافیزیک غرب را زیر سوال برد. دریدا نیز با تاسی از هایدگر به نقد متافیزیک پرداخت. پسا ساختارگرایان معتقدند که ساختارگرایان و متفکران مدرنیته به بن بست رسیده‌اند. پسا ساختارگرایی به عنوان شاخه‌ای از پست مدرنیسم دارای ویژگی‌هایی چون ساختارشکنی، نفی فرا روایت‌ها، انکار حقایق مطلق، تمرکز بر زبان، تکثرگرایی فرهنگی، ارتباط دانش و قدرت، تمرکززدایی از عقل و نفی بازنمایی است. در تفکر پسا ساختارگرا، تجربه به عنوان داده حسی، زمانی معنادار است که بتوان آن را در چهارچوب معنایی و زبانی خاص قرار داد. انسان به طور پیشینی دارای چهارچوب معنایی و زبانی است. هر داده تجربی به خودی خود فاقد معنا است و فقط در درون این نظام معنایی پیشینی قابل درک است (هارلند، ۱۳۸۰، ص، ۱۰۶-۱۰۵). پسا ساختارگرایان بر این باورند که نظام معنایی و پیشینی موجود در زبان آدمی است که امکان شناخت را برای او فراهم می‌سازد. بنابراین شناخت به تمام و کمال وابسته به چهارچوب زبانی است.

فوکو برخلاف ساختارگرایان که ساختارها را ثابت می‌دانستند، معتقد است، ساختارها ثابت نیستند و در طول زمان تغییر می‌کنند و به قول دریدا ساختارها، خود را درهم می‌شکنند. به همین جهت از واژه ساختارشکنی استفاده کرده است. به زعم فوکو هیچ معرفت معتبر و حقیقت نابی وجود ندارد، تنها حوادث پراکنده است که منجر به شکل‌گیری نظام جدید حقیقت خواهد شد. در دیدگاه معرفت‌شناسی پسا ساختارگرا هر اندیشه در بستر زمانی و مکانی خاص شکل می‌گیرد. مباحث فلسفی و اجتماعی با نقد رویکرد به وجود می‌آید، ضمن تلاش برای ایجاد تغییر، تفکر پیشین را رد، تکمیل و یا بازسازی می‌کند.

گفتمان از جمله مفاهیم کلیدی پسا ساختارگرایی است. تحلیل گفتمان چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و زبان را در ارتباط با عوامل درون زبانی (متن) و عوامل برون زبانی چون زمینه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، ارتباطی و موقعیتی توضیح می‌دهد. فوکو در آثار خود به روابط بین دانش و قدرت و تاثیر آن در شکل‌گیری شخصیت انسان پرداخته است. قدرت از مفاهیمی است که بر مبنای روابط میان گفتمان و جامعه شکل گرفته و سازمان می‌یابد. به نظر وی معرفت نیز با روابط قدرت درهم تنیده است. پیشرفت در معرفت یا پیشرفت و کاربست قدرت پیوسته و وابسته است.

تعلیم و تربیت انتقادی

تعلیم و تربیت انتقادی نظریه نسبتاً جدیدی است که متفکران تربیتی نظیر پائولو فریره، هانری ژیرو، پیستر مک لارن و مایکل اپل و داگلاس کلنر آن را براساس مبانی و اصول نظریه انتقادی بسط داده‌اند. این نحله تربیتی براساس دیدگاه نظریه‌پردازان، فلاسفه و جامعه‌شناسان عضو مکتب فرانکفورت، به‌ویژه مارکوزه شکل گرفته است. متفکران این مکتب نظریه‌ای درباره تعلیم و تربیت ارائه نکرده‌اند اما آراء آن‌ها معطوف به فرهنگ بوده و تعلیم و تربیت را جزئی از آن می‌دانند. اصحاب مکتب فرانکفورت بر آگاهی، ایدئولوژی، فرهنگ و اجتماعی شدن جهت تغییر افراد و جوامع تاکید داشته‌اند (نوذری چگینی، ۱۳۸۵، ص، ۲۶۹).

تعلیم و تربیت انتقادی و پسا ساختارگرایی: نظام تعلیم و تربیت پسا ساختارگرا، نظامی انتقادی است. بینش محوری در این دیدگاه نقد است، که از طریق آن موضوعات و مسائل اجتماعی را به چالش می‌کشد. از آرمان‌های تعلیم و تربیت انتقادی درگیر شدن دانش‌آموزان با مباحث و موضوعات اجتماعی و پرورش مهارت‌های مربوط به حضور موثر در تغییرات اجتماعی است. هدف نهایی تعلیم و تربیت انتقادی آماده‌سازی شهروندانی آگاه برای مشارکت فعال در جامعه، رشد و بالندگی فرهنگی عمومی و ایجاد زمینه برای مطالعات اجتماعی است. تعلیم و تربیت انتقادی دانش‌آموز محور است. در این دیدگاه بر گفتگو، به‌عنوان روش آموزش تاکید شده است. متفکران تعلیم و تربیت انتقادی با ارائه تحلیل‌هایی درباره موسسات آموزشی و موقعیت‌های آن، اصطلاحات و نظریه‌هایی مانند سلطه آموزشی، آگاهی انتقادی، نظریه بازتولید، نظریه مقاومت، تعلیم و تربیت مرزی را ابداع کرده‌اند که در گفتمان^۱‌های تربیتی معاصر دیده می‌شود.

1. Discourses

بررسی ماهیت تربیتی تفکر انتقادی از دیدگاه اسلام و پسا ساختارگرایی

فوکو منبع تعیین اهداف را گفتمان هر جامعه دانسته، معتقد است آنچه در عمل رخ می‌دهد برآیند چالشی پی‌گیر میان عناصر گفتمان‌مدار (شکل‌گیری شناسنده، موضوع شناسایی، قطعیت، سوییجهای بیانی، و راه‌بردها) در بستری تاریخی است. فوکو آن دسته از سیاست‌های آموزشی را شایسته می‌داند که به توانمند شدن و افزایش ایستادگی در برابر قدرت بیانجامد. اهداف آموزشی مناسب می‌شود تا خرد خود آگاه و خود آفرین تربیت شده، رویارویی با سازوکارهای قدرت در او فراهم گردد (گوتک، ۱۳۸۰، ص، ۱۸۳). از نظر فوکو خودآفرینی با تحلیل گفتمان رابطه همسو دارد. یعنی انسان با شناخت تعاملات افراد در جامعه و تحلیل گفتمان‌های حاکم، قادر به تفسیر فضای فکری حاکم بر جامعه و نیز ساخت ساختارهای فکری خواهد بود.

یکی از دستاوردهای پسا ساختارگرایی، تعلیم و تربیت انتقادی است. تعلیم و تربیت انتقادی، تعلیم و تربیتی است که باید مرزها و محدوده‌های آموزشگاه را بشکند، خود را با وجوه عمومی جامعه متصل و واقعیت‌های آنرا منعکس نماید. در این نظام تربیتی، هدف تربیت و رشد شهروندان آزاد و مستقل است. شهروندی که متعلق به جامعه است و فرهنگ او متعلق به فرهنگ عمومی است (دشتی، ۱۳۸۴، ص، ۱۰۶). در تعلیم و تربیت پسا ساختارگرا برنامه‌ریزان باید به روایت‌های کوچک محلی و فرهنگی توجه کنند و به جای تکیه صرف بر مبانی فلسفی و منطقی، بر نقش زبان، فرهنگ و مولفه‌های اجتماعی تاکید نمایند. این کار از طریق مطالعه فرهنگ‌های دیگر امکان‌پذیر خواهد بود. هم‌چنین برنامه‌ریزان درسی باید درصدد آشتی دادن عمل و نظر باشند، بر این مبنا، نظریه برنامه‌ریزی درسی، نظریه‌های انتقادی و تحلیلی است که در ارتباط مستقیم با عمل بوده و دارای انسجام مفهومی است (کلی، ۱۹۸۹، ص، ۲۴).

روش تدریس در تعلیم و تربیت انتقادی مبتنی بر روش همیاری، همکاری و تشریک مساعی است رقابت‌های اضطراب‌زای فردی باید به وسیله همکاری‌های گروهی و مسئولیت‌پذیری جمعی تعدیل شود. تفکر انتقادی باید آموزش داده شود، که این خود مستلزم وجود معلمانی است که دارای روحیه انتقادی بوده و از ذهن نقاد برخوردارند. کلاس درس باید محل تمرین نقد و گفتگو و رد و بدل کردن افکار نوین باشد. آموزش و پرورش پسا ساختارگرا فرایند محور است نقش معلم همکار و تسهیل‌کننده پیشرفت و تولید دانش است (مون، ۲۰۰۸، ص، ۱۰۲). معلمانی می‌توانند علاوه بر استفاده از روش‌های تدریس تعاملی، مشارکتی، بحث و گفتگوی نقادانه، دانش‌آموزان را تشویق کنند تا از ویژگی "نوشتن" برای بیان ایده‌های خود استفاده کنند. در تعلیم و تربیت انتقادی، نظام امتحانات و ارزشیابی نیز مورد نقد قرار می‌گیرد. از این‌رو بر امتحان کودک محور تاکید شده، توصیه می‌شود روشی اتخاذ گردد که از فشار روانی وارد بر کودک کاسته شود (آگاروال، ۱۹۹۷، ص، ۹).

تفکر انتقادی از منظر اسلام

عنصر «فکر و اندیشه» از جمله عناصری است که در رأس تعالیم اسلامی قرار دارد. قرآن کریم همواره انسان‌ها را به «تفکر» و «تعقل» دعوت کرده است. پیشوایان دینی نیز بر تفکر و تدبیر تأکید داشته‌اند. علی (علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید: «بالاترین عبادت به کار انداختن نیروی تفکر و تعقل است.» (فلسفی، ۱۳۶۸، ص، ۳۲۵). قوه تمیز و تشخیص و جدا کردن سخن درست از نادرست، از مصادیق تفکر انتقادی است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: "پس بشارت ده بندگان مرا، همان‌هایی که به سخن گوش می‌دهند و بهترین آن‌را پیروی می‌کنند"^۱. اینانند که خدایشان هدایت کرده و اینان خردمنداند. (زمر، ۱۸ و ۱۷) انتخاب احسن مستلزم نقد و بررسی یعنی به‌کارگیری قوه تمیز و تشخیص و داوری است. قرآن کسانی را که به مدد تشخیص و داوری بهترین را انتخاب می‌کنند هدایت‌یافته و خردمند دانسته است. این آیه بیانگر آن است که بهره‌مندی از قوه تمیز و تشخیص و انتخاب احسن از ویژگی‌های عقل است. نکته قابل توجه آن است که قرآن شرط دستیابی به قوه تمیز و تشخیص را تقوا دانسته می‌فرماید: "اگر تقوا پیشه کنید خداوند قوه تمیز و تشخیص را به شما عطا خواهد کرد"^۲.

در آموزه‌های اسلام سخن و بیان دارای جایگاهی خاص است. زیرا که اندیشه آدمی در کلام او متجلی می‌شود. براساس تعالیم اسلامی انسان نه تنها باید سخن سنج باشد یعنی سخن را نقد و بررسی کند، سخن درست را از نادرست تمیز دهد و بهترین را انتخاب کند، بلکه پذیرش سخن بدون نقد و به‌عبارت دیگر "خوش‌باوری" مذموم و ناپسند شمرده شده است. پیامبر (ص) در این باره می‌فرماید: برای جهالت انسان همین بس که هرچه می‌شنود نقل کند^۳ از حضرت عیسی (ع) نقل است که فرمود: "حق را (حتی) از باطل بگیرید ولی باطل را (حتی) از اهل حق نگیرید"^۴. "نقدکننده سخن باشید". حضرت علی (ع) پس از نقل این حدیث از حضرت عیسی (ع) خطاب به هشام می‌فرماید: «خداوند به‌وسیله عقول بر مردم اتمام حجت کرده و پیغمبران را

۱. "فبشر عبادالذین یستمعون القول فیتبعون احسنه، اولئک الذین هدیهم الله و اولئک هم اوالالباب (سوره زمر، آیات

۱۷ و ۱۸)

۲. "یا ایها الذین آمنوا ان تقوا الله یجعل لکم فرقانا و یکفر عنکم سیناتکم و یغفر لکم و الله ذوالفضل العظیم" (سوره

انفال، آیه ۲۹)

۳. "کفی بالمرء ان یحدث بکل ما سمع"

۴. "خذو الحق من اهل الباطل و لاتاخذو الباطل من اهل الحق"

بررسی ماهیت تربیتی تفکر انتقادی از دیدگاه اسلام و پسا ساختارگرایی

به وسیله بیان یاری نموده، و به سبب برهان‌ها به ربوبیت خویش دلالتشان کرده است»^۱ (مجلسی، جلد، ۱۳۷۹، ۲، ص، ۹۶).

ماهیت تفکر انتقادی در پسا ساختارگرایی

پسا ساختارگرایان در بحث از حقیقت معتقدند، جهان فاقد حقیقت ثابت است، پس بازنمایی آن بی‌معناست. حقیقت ساختنی است نه کشف کردنی. حقیقت ساخته گفتمان‌ها و حاصل روابط قدرت است و از این‌جا است که نگرش تکثرگرایی، خطاپذیری معرفت، ساختارشکنی (عبور از خط‌قرمزها)، تمرکززدایی از عقل، نقد ایدئولوژی معنا می‌یابد. در نظر ایشان معرفت امری نسبی است. هر نظام معرفتی شکل‌یافته از تفاسیر مختلف است. بنابراین تفسیر کاملی از جهان هستی نمی‌توان ارائه نمود. پسا ساختارگرایان معتقدند چون نظام معرفتی مشخص و نیز قاعده و روش خاصی وجود ندارد، محور قرار دادن روش‌ها و علم‌آموزی بی‌معنا است.

روش‌های تربیت تفکر انتقادی در پسا ساختارگرایی

تفکر انتقادی و مجهز شدن به آن، از مهم‌ترین اهداف تعلیم و تربیت پسا ساختارگرا است. پرورش تفکر انتقادی به زمان، تامل، طراحی، فرصت‌های برانگیزاننده نیاز دارد. "هاچینز (۱۹۷۷) و مک پک (۱۹۸۷) معتقدند، که مهارت‌های تفکر انتقادی باید از طریق تمرین در تمام دروس گسترش یابد" (شعبانی، ۱۳۸۲، ص، ۹۰) آموزش تفکر انتقادی نیازمند تعامل آزادانه موقعیت نامعلوم، انگیزه و تأمل است. هر جلسه درس می‌تواند با طرح یک سوال یا مجادله آغاز شود تا احساس تعادل و سکون فکری دانش‌آموز بر هم خورده، وی درصدد ایجاد فکری تازه یا بازنگری تفکر خویش برآید. دریدا معتقد است تامل وقتی صورت می‌گیرد که فرد، ذهن خود را از هرگونه پیش‌فرض خالی کند، آن‌گاه علاقه خود را دنبال نماید. این فرصتی است تا فرد بدون گرایشی خاص، به پرسشگری بپردازد. محیط ساکت باعث می‌شود افراد بهتر تامل کنند. برای پرورش تفکر انتقادی باید از روشهایی چون گفتگو و مباحثه بهره جست که این خود به زمان بیشتری

۱. «یا هشام ان الله تبارک و تعالی اکمل الناس الحجج بالعقول، ونصرالنبیین بالبیان، وادلهم علی ربوبیته بالادلاء»

نیاز دارد و برنامه‌ریزان باید بدان توجه نمایند. راهبردهای به‌کارگرفته در آموزش تفکر انتقادی به شرح زیر است:

استفاده از نوشتار: سبب می‌شود تا دانش‌آموز با مراجعه به متن، هر بار تفسیر و تعبیر جدیدی از آن به دست آورد. تکالیف نوشتاری باعث تحریک تفکر انتقادی، و نوعی چالش فکری در کلاس درس می‌شود. هم‌چنین ذهن دانش‌آموز را برمی‌انگیزد تا با دقت بیشتری به اطراف بنگرد و برای ابراز خود به نحو مطلوبی از آن بهره‌گیرد (باقری، ۱۳۸۷، ص، ۲۷۱).

خواندن نقادانه متن: نوشتار با خواندن همراه است. پس‌اساختارگرایی خواندن نقادانه را پیشنهاد می‌کند. به‌نظر دریدا باید بار دیگر آن‌چه بدیهی، مسلم و مفروض شناخته شده است را بازنگری، تکرار و بازگو کرد. اسکال خواندن متن را دارای شکل‌هایی می‌داند که باید آموزش داده شود. این شیوه با سنت حفظ و تکرار متفاوت است. خواندن در شکل نخست آن، خواندن از درون متن است یعنی فرد وارد متن می‌شود، و آن‌را خوانده و اطلاعاتی را به‌دست می‌آورد. در این صورت فرد می‌تواند اطلاعاتش را بازگو کرده و یا تلخیص کند. فعالیت دوم، "خواندن از فراز" است که فرد به‌ورای متن می‌رود. این عمل متضمن تفسیر است. تفسیر از طریق برقراری ارتباط متن موردنظر با متون دیگر صورت می‌گیرد. نوع سوم فعالیت "خواندن از موضع مخالف است". یعنی خواندن متن به‌صورت نقادانه و مورد سوال قرار دادن مفروضاتی که در فعالیت دوم یافته‌ایم" (همان، ص، ۷۸). در این مرحله فرد می‌تواند از خود سؤالاتی بپرسد، بدین مضمون که ملاحظات و بدیهیات متن تا چه اندازه سنت‌های موجود را حمایت می‌کند؟

روش شبیه‌سازی: از شیوه‌های دیگر، شبیه‌سازی است. نوامبر^۱ معتقد است که شبیه‌سازی روشی است که تجارب وسیعی را در خود نهفته دارد. شبیه‌سازی فراهم کردن فرصت است به نحوی که افراد بتوانند نقش‌های اجتماعی را بازی کنند و در موقعیت‌های مشابه، وظایف خاص کارگزاران یک شغل را انجام دهند و راجع به مسئله‌ای تصمیم بگیرند (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۷۸، ص، ۱۷۴).

روش گفتمان: از دیرباز یکی از عناصر اصلی داوری و انتقاد، گفتمان بوده است. مفهوم گفتمان شامل سه بعد: الف) کاربرد زبان؛ ب) برقراری ارتباط میان باورها (شناخت) و ج) تعامل در موقعیت‌های اجتماعی است. هدف اصلی مطالعه گفتمان توصیف یکپارچه از سه بعد گفتمان و چگونگی تاثیر آن‌ها بر یکدیگر است (ون دایک، ترجمه ایزدی، ۱۳۸۲، ص، ۱۶).

1. Peter November

بررسی ماهیت تربیتی تفکر انتقادی از دیدگاه اسلام و پسا ساختارگرایی

ساختارشکنی: یکی از روش‌های تدریس مورد نظر پسا ساختارگرایان که گاه آن را جایگزین روش علمی می‌دانند، روش ساختارشکنی است. معلم و دانش‌آموز باید شیوه ساخت‌زدایی را پیشه کنند، و هم‌چنین مواد و مطالب آموزشی باید ساخت‌زدایی شود. آن‌ها معتقدند، دانش پژوهان باید تشویق شوند تا راه‌های جدیدی برای بازنویسی مجدد عناصر و داستان‌ها بیابند تا از این طریق قادر به یافتن روشی جدید برای قرائت یک متن شوند.

روش‌های تربیت تفکر انتقادی در اسلام

فرهنگ نقد در اسلام دارای جایگاه ویژه‌ای است، در این باره می‌توان از مناظره امام صادق (ع) و طبیب هندی و یا مناظره امام با جابرین حیان که به صورت پرسش و پاسخ مطرح شده و نیز مناظره امام رضا (ع) با دهریون و اهل کتاب یاد کرد. این مناظره‌ها بیانگر رواج فرهنگ نقد در اسلام است.

در فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی تفکر انتقادی را می‌توان در دو حوزه انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی اسلامی مورد بحث قرار داد. در معرفت‌شناسی اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد، در معرفت‌شناسی اسلامی خردورزی از اصول اساسی است. خردورزی بیانگر به کار گرفتن قوه تمیز و تشخیص و نیز داوری مستدل و منطقی دانسته‌ها است. اسلام برخلاف پسا ساختارگرایان که هر گونه معرفت و حقیقت نابی را انکار کرده و آن‌را متغیر می‌دانند بر این باور است که معرفت و حقایق منبعث از آن متغیر نبوده و ثابت می‌باشند.

یکی از ویژگی علم را پویایی دانسته‌اند. پویایی علم به معنی نقد مداوم آموخته‌ها است. اما این بدان معنا نیست که همه چیز در معرض تغییر است. زیرا اگر در عرصه علم، حقیقتی وجود داشته باشد، آن حقیقت همواره ثابت است و نادیده گرفتن آن به منزله دور ماندن از حقیقت است.

یکی از شیوه‌های آموزش پرورش تفکر انتقادی شناخت معیار داوری در حوزه‌های مختلف فکری است. هنگامی که معیارها به صورت صریح و تعریف شده، مشخص می‌شود، امکان نقادی افزایش می‌یابد.

در حوزه انسان‌شناسی اصل خردورزی امکان دسترسی به حقایق را فراهم می‌سازد. این امر در صورتی محقق می‌شود که فعالیت‌های شناختی در جهت دستیابی به حقایق هدایت شود.

مطهری معتقد است که برای درک حقایق، باید روحیه علمی داشت و بی‌طرفانه به حقایق نگریست. انسان از دیدگاه اسلام خلیفه خدا در روی زمین است و قابلیت خلق و انشا دارد. علم-جویی و حقیقت‌جویی در فطرت انسان به‌ودیعه نهاده شده است. انسان ذاتاً فاعل شناسا است و می‌تواند حقایق عالم خارج را بشناسد. مطهری در باب حقیقت‌جویی انسان میان عالم بودن و

روحیه علمی داشتن فرق قائل است. زیرا بسا افرادی که روحیه علمی دارند ولی عالم نیستند و چه بسا کسانی که عالمند و فاقد روحیه علمی می‌باشند. عالم واقعی کسی است که دارای روحیه علمی توأم با عمل است. علم اساساً از غریزه حقیقت‌جویی سرچشمه می‌گیرد. خداوند انسان را طالب حقیقت آفریده است. درک حقایق در صورتی ممکن است که انسان نسبت به حقایق بی‌طرف و بی‌غرض باشد و بخواهد حقیقت را آن‌چنان که هست کشف کند، نه آن‌گونه که او می‌خواهد در این صورت فرد دارای روحیه علمی است.

تربیت عقلانی زیربنای تفکر انتقادی: اندیشمندان مسلمان، تفکر را "زیربنای حیات انسانی و وسیله دست‌یابی به جمیع کمالات و معارف مادی و معنوی می‌دانند. امام خمینی (ره) تفکر را مفتاح ابواب معارف و کلید خزائن کمالات و علوم و مقدمه لازمه حتمیه سلوک انسانیت دانسته است (امام خمینی، ۱۳۷۱، ص، ۱۹۱).^۱ وجود قوه فکر در انسان امری ذاتی است. از راه تربیت نمی‌توان نفس تفکر را در مرتبه پدید آورد؛ زیرا اصل تفکر، با سرشت آدمی، عجین شده است. با این وجود، می‌توان از راه تربیت عقلانی، تفکر را که در اوایل زندگی، قوه محض است، به‌فعلیت درآورد. یکی از اهداف تربیت عقلانی ایجاد و رشد تفکر انتقادی است. تربیت عقلانی شامل پرورش عقل نظری و عقل عملی است و تفکر انتقادی حاصل پرورش هر دو جنبه از عقل است. در این‌جا روش‌های تربیت عقلانی که زمینه‌ساز و ایجادکننده تفکر انتقادی است به اجمال بررسی می‌شود. تربیت عقلانی به دو بخش تربیت عقل نظری و عقل عملی تقسیم می‌شود و تفکر انتقادی حاصل هر دو بخش است.

علم آموزی: علی (ع) علم را غیرقابل احصا^۲ و غیرقابل احاطه^۳ می‌دانند، از این‌رو در طلب علم، معیاری کلی به دانش‌پژوهان عرضه کرده که آن "اتخاذ احسن" است. ایشان در روایت دیگری، متعلم را به زنبور عسل که بهترین را برمی‌گزیند تشبیه کرده است. در نظر ایشان متعلم نباید صرفاً به "علم مسموع" که دست مایه علمی دیگران است و یا "علم مطبوع" که فقط متکی بر خود است، تکیه نماید. بلکه باید از علوم بهترین را برگزیند تا همچون زنبور عسل بتواند، عسلی شفاف‌بخش تولید نماید (بهشتی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۹).

تجربه اندوزی - تجربه از ریشه "جرب" به معنی اختیار و آزمودن است. در آمیختن دانش و معلومات با تجارب عملی، یکی از محورهای اساسی است که اندیشمندان و فیلسوفان تعلیم و تربیت از دیرباز بر آن تاکید کرده اند. از روشهای فرعی تجربه اندوزی مشهور است. در مشورت

۱. (روح الله الموسوی الخمینی {امام}: چهل حدیث (حدیث دوازدهم)، ۱۳۷۱، ص، ۱۹۱)

۲. "العلم اکثر من ان یحصى، فخذوا من کل شیء احسنه" (بهشتی، ۱۳۸۹، ص، ۱۹۹)

۳. العلم اکثر من ان یحاط به، فخذوا من کل علم احسنه

بررسی ماهیت تربیتی تفکر انتقادی از دیدگاه اسلام و پسا ساختارگرایی

مراجع درصدد است با کمک مشاور رای درست را از نادرست بازشناسد و مسیر درست را انتخاب نماید (طباطبایی، ۱۳۹۱، ق، ص، ۶۴).

از آنجا که انسان موجودی ضعیف است و ضعف او منابع شناختی او را نیز شامل می‌شود، قادر نخواهد بود به تنهایی، به درک و فهم همه مسائل و امور نائل شود، پس عقل حکم می‌کند، چنانچه با مشکلی مواجه شود، با بهره‌مندی از نظر دیگران در جهت رفع کاستی‌های خود اقدام نماید. «آن بندگانی که سخن را می‌شنوند و نیکوترین آن‌را پیروی می‌کنند، آنان به حقیقت خردمندانند» (زمر، ۱۷)^۱.

تزکیه نفس: تزکیه نفس روشی برای دفع یا رفع موانع رشد و شکوفایی و کمال عقل است. تزکیه نفس، عاملی است که با مانع‌زدایی و آزادسازی فکر و عقل از اسارت هوای نفس، سبب رشد تفکر نقادانه می‌شود.

خودانتقادی یا محاسبه نفس یکی از آموزه‌های مهم اسلام است. انتقاد از خود سبب می‌گردد که انسان از بسیاری نقدها در امان بماند و اگر همگان به فکر نقد خود برآیند، زمینه نقد اجتماعی کمتری پیدا می‌شود.

پرسشگری: یکی از شیوه‌هایی که با به‌کار گرفتن آن می‌توان توانایی تفکر و نقد اندیشه را پرورش داد و انسان را به ارزیابی و نقد واداشت، مواجه شدن او با سوال و مساله است، زیرا از مواردی که عقل بصورت فعال‌تر عمل می‌کند، هنگامی است که مساله‌ای در برابر آن ظاهر می‌شود و انسان باید بدان پاسخ دهد، در این حالت آدمی ناگزیر به تفکر و ارزیابی می‌پردازد تا به کمک آن، به حل مساله بپردازد و پاسخی جهت آن ارائه نماید.

مباحثه: یکی از روش‌های موثر در تربیت تفکر انتقادی بهره‌گیری از روش مباحثه است. در تفکر انتقادی تجزیه و تحلیل مباحث، از مهم‌ترین ویژگی‌های اندیشه نقاد است که با استفاده از مباحثه می‌توان بدان دست یافت. مباحثه از روش‌های متداول در حوزه‌های علمیه شیعیان است که از قدمت بسیار برخوردار می‌باشد. مباحثه شامل طرح مباحث درسی است که بین دو نفر صورت می‌گیرد، بدین صورت که یک نفر مطالب درسی را برای دیگری بیان می‌کند، نفر دوم سوالات و اشکالاتی را که درباره مطالب وی به ذهنش خطور کرده مطرح می‌کند و طرف مقابل باید به‌طور مستدل بدان پرسش‌ها پاسخ دهد. در نهایت طرفین در حد توانایی خود، با شناختی که نسبت به موضوع مورد بحث و سوال‌های مطرح شده دارند، به تجزیه و تحلیل مطالب

۱. "الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک هم اولوالالباب"

پرداخته، درباره آن داوری می‌کنند و به پاسخ صحیح دست می‌یابند. حاصل مباحثه، فهم و ادراک مطالب، یادگیری، تعمیق مطالب و حفظ آنست.

مناظره: شهید ثانی زین‌الدین بن علی بن احمد در کتاب "منیه المرید فی آداب المفید والمستفید"، باب سوم، بحث «مناظره» را آورده است. وی مناظره را مباحثه، رقابت در بحث می‌داند که همان معنای اصطلاحی گفت و گو، درباره مطلب و موضوعی خاص است. در مناظره هر یک گمان می‌کنند مسیر حق را می‌پیمایند و درصددند تا طرف مقابل را مجاب نمایند؛ بنابراین هریک تلاش می‌کند تا قدم به قدم افکار و اندیشه‌های طرف مقابل را از ذهنش زدوده، برای آن جایگزینی مطرح نماید و بدین وسیله عقاید او را تغییر داده و هم‌عقیده خود سازد. از دیدگاه اسلام، آن‌چه در این خصوص حائز اهمیت است، "اتمام حجت" و انجام وظیفه است؛ (جمالی، ۱۳۸۹، ص، ۵).

شرح صدر: به معنی تحمل اندیشه و آراء دیگران است. کسی که دارای شرح صدر است بهتر می‌تواند افکار و اندیشه‌های مخالف خود را تحمل کند. قرآن درباره درخواست موسی از خداوند می‌فرماید: موسی گفت: "ای پروردگار من سینه مرا برای من بگشا" (سوره طه، آیه ۲۵).^۱ درخواست شرح‌صدر از خداوند، توسط موسی، بیانگر آن است که گفتگو با دیگران به‌ویژه اگر برای تبلیغ و هدایت افراد باشد، نیازمند شکیبایی، گذشت و چشم‌پوشی، تحمل دیگران و انعطاف‌پذیری است.

موانع رشد تفکر انتقادی

موانع بروز تفکر انتقادی از دیدگاه اندیشمندان غربی، عدم احراز و بروز ویژگی‌های تفکر انتقادی است که عبارتند از: ۱. توانایی‌ها و مهارت‌ها؛ ۲. گرایش‌ها یا تمایلات؛ ۳. فراشناخت، یعنی در صورت عدم وجود توانایی‌ها و مهارت‌های تحلیل، استنباط، خودنظم‌دهی و همچنین عدم تمایل به نقد و عدم آگاهی نسبت به شناخت (فراشناخت)، تفکر انتقادی میسر نخواهد شد. حال به بررسی این موانع در حکمت اسلام می‌پردازیم.

اندیشمندان اسلامی تفکر انتقادی را یکی از کارکردهای عقل می‌دانند که عواملی چون دلبستگی، عدم آگاهی، جمود فکری، تکیه بر ظن و گمان، پافشاری بر جهل و تقلید کورکورانه مانع دستیابی به آن است.

۱. (قال رب اشرح لی صدی)

هوای نفس: از بارزترین ویژگی‌های "تفکر نقادانه" توانایی تشخیص درست از نادرست حین ارزیابی است. مهم‌ترین عاملی که موجب می‌شود انسان در ارزیابی اندیشه خطا کرده و دچار جزم‌اندیشی شود، هوای نفس است. قرآن کریم هوای نفس را مانع تشخیص درست از نادرست دانسته، می‌فرماید: "آیا کسی که بر حجتی از جانب پروردگار خویش است، چون کسی است که بدی کردارش برای او زیبا جلوه داده شده و هوس‌های خود را پیروی کرده است،؟" (سوره محمد، آیه ۱۴).

پافشاری بر جهل: پافشاری بر جهل یا لجاجت بدین معناست که فرد در صورت دانستن حق آن‌را تکذیب کند. در سوره نوح درباره نافرمانان قوم نوح (ع) آمده است: "بارالها من آن چه را شب و روز دعوت کردم، دعوت و نصیحتم جز بر فرار و اعراض آن‌ها نیفزود و هر چه آنان را به مغفرت تو خواندم، انگشت بر گوش نهادند و جامه به رخسار افکندند (تا مرا نبینند و سختم را نشنوند) و بر کفر اصرار و لجاجت ورزیدند و سخت راه تکبر و نخوت پیمودند." (سوره نوح، آیات ۷-۵).

دلبستگی‌ها: ساختار فکری انسان به نحوی است که اگر از نظر عاطفی به چیزی دلبستگی و وابستگی پیدا کند، روحش از آن دلبستگی رنگ می‌پذیرد. در این صورت است که نمی‌تواند حقایق را آن‌چنان که هست ببیند و درباره آن قضاوت نماید. حال اگر آن دلبستگی نادرست باشد، موجب انحراف ذهن و فکر انسان می‌شود (مطهری، ۱۳۶۱).

عدم آگاهی کافی: مانع از فهم درست حقایق و داوری درباره آن‌ها است. از این رو در قرآن آمده: "ای انسان هرگز بر آن چه بدان علم و یقین نداری، پیروی مکن که در پیشگاه حکم خدا چشم و گوش و دل همه مسئولند" (سوره اسراء، آیه، ۳۶).

بردگی فکری: هرچند تبعیت و تقلید از کارشناسان خبره در مسائل حیاتی انسان، اعم از امور دینی یا دنیوی، در صورت بسته بودن باب علم و تحقیق، اصلی است که عقلای عالم آن‌را پذیرفته و براساس آن عمل کرده اند و اسلام نیز بر آن مهر تأیید زده، اما هرگاه تقلید به صورت دنباله روی بی منطق و هضم شدن فرد در دیگران باشد، مانع رشد خرد شده و انسان را به مسخ هویت و گمراهی می‌کشاند.

۱. "من كان على بينة من ربه كمن زين له سوء عمله و اتبعوا أهواءهم."

۲. قال رب انى دعوت ليللا و نهرا فلم يزد هم دعاءى الا فرارا و انى كلما دعوتهم لتغفر جعلوا اصابهم فى اذانهم و استغشوا ثيابهم و اصروا و استكبروا استكبارا" (آیات ۵-۷، سوره نوح)

۳. "ولاتقف ما ليس لك به علم ان السمع و البصر و الفواد كل اولئك كان عنه مسئولوا"

تبعیت از ظن و گمان: پیروی از ظن و گمان و تکیه بر شک و شبهات از دیگر آفات عقل است. قرآن کریم به انسان هشدار می‌دهد که ظن و گمان نمی‌تواند آدمی را به حقیقت نائل سازد، از این‌رو کسانی را که دست خوشِ ظن و گمان‌اند مورد نکوهش قرار داده، می‌فرماید: بیشتر آنان جز به گمان تکیه نمی‌کنند، حال آن‌که، ظن و گمان به‌هیچ‌وجه از حق بی‌نیاز نمی‌کند^۱ (یونس، آیه، ۳۶). تکیه بر ظن و گمان بدان حد نکوهیده است که گاه قرآن آن‌را گناه دانسته و می‌فرماید: "ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است"^۲ (سوره حجرات، آیه، ۱۲).

مقایسه تفکر انتقادی در دو رویکرد پساساختارگرایی و اسلام

تفکر انتقادی	پساساختارگرایی	اسلام
ماهیت	ساختارشکن، تکثرگرا، تمرکززدایی عقل و نقد ایدئولوژی	تکیه بر عقل نظری و عملی
روش‌ها	ساختارشکنی، تحلیل گفتمان، تعامل مشارکتی، خواندن - نقادانه، استفاده از متن	تزکیه، خردورزی، تجربه اندوزی، مناظره، مباحثه، پرسشگری، شبیه‌سازی، شرح‌صدر
موانع	عدم توفیق درسه زمینه، توانائی‌ها، مهارت‌ها و فراشناخت	هوای نفس، دلبستگی‌ها، غرض‌ورزی، پافشاری بر جهل، عدم آگاهی، بردگی فکری، تبعیت از ظن و گمان
هدف	تربیت شهروندانی ساختارشکن	نیل به اهداف غایی تعلیم و تربیت
جهان‌شناسی	جهان فاقد حقیقت ثابت است پس بازنمایی بی معناست	انسان کاشف حقیقت است
حقیقت	حقیقت ساختنی و حاصل گفتمان و روابط قدرت است	حقیقت مطلق سرچشمه خلق است
انسان	حذف انسان به عنوان سوژه آگاه و صاحب اراده	انسان به عنوان عامل شناسا و صاحب اراده و اختیار
فطرت	به عنوان ساختار	محدود نکردن فطرت در حد ساختار

۱. «وَمَا يَتَّبِعْ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا».

۲. " يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ "

بحث و نتیجه‌گیری

به‌طور کلی می‌توان گفت تفکر انتقادی در اسلام و پسا ساختارگرایی از نظر ماهیت فاقد وجوه مشترک است. اما در هر دو رویکرد، تفکر انتقادی را به‌عنوان یکی از اهداف مهم تربیتی دانسته‌اند، با این تفاوت که در حوزه معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی اسلامی تفکر انتقادی یکی از اصول کلی به‌شمار آمده است. در انسان‌شناسی اسلامی، تفکر انتقادی با عنوان خردورزی، داوری دانسته‌ها و انتخاب احسن و در معرفت‌شناسی با عنوان نقد مداوم آموخته‌ها، از آن یاد شده است. پسا ساختارگرایی رویکردی ماهیتاً نقادانه است. در این رویکرد عمدتاً به اهمیت نقش تفکر انتقادی در جامعه، با استفاده از روش ساختارشکنی پرداخته شده است. به همین جهت دریدا هدف از تعلیم و تربیت انتقادی را تربیت شهروندانی نقاد و ساختارشکن، که بتوانند خط قرمزها عبور کنند، دانسته است. زیرا به نظر وی میل به عبور از قواعد در همه افراد وجود دارد. در این‌جا نکته قابل توجه آن است که دریدا شرایط عبور از خط قرمز را بیان نکرده است. یعنی بدین سوال که آیا در هر شرایطی، حتی زمانی که جامعه نیازمند همدلی است، باز باید شاگردان را به عبور از خط قرمز دعوت کرد پاسخ نداده است. پرسش اساسی دیگر آن است که آیا عبور از خط قرمزها و عادت به خروج از قواعد، در طول زندگی فرد، همواره اثری مثبت خواهد داشت؟ و یا این‌که فرد را به هرج و مرج طلبی رهنمون می‌سازد؟

به‌طور کلی ساختارشکنی یعنی "از بین بردن دوگانگی‌ها و شکستن ساختارهای موجود، به ویژه قطب‌بندی‌های رایج در اجتماع، مثل تمایز بین رشته‌های تحصیلی، عینی/ذهنی، تئوری/عمل، فرهنگ عامه/فرهنگ نخبه و سایر تمایزهای رایجی که در نظام تعلیم و تربیت تشخیص داده می‌شود. بر این اساس با شناسایی تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان، در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، می‌توان دروس و منابعی را که در خور نیاز و فهم آن‌ها باشد تدارک دید. توجه به تفاوت‌های فردی و ارائه محتوا متناسب با زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را می‌توان از جنبه‌های مثبت ساختارشکنی به‌شمار آورد.

امروزه با توجه به گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات و دستیابی به اطلاعات بعضاً متناقض، نیاز به تفکر انتقادی امری جدی است. اما باید توجه داشت که این دو رویکرد هم از نظر ماهیت تفکر انتقادی متفاوتند و هم در زمینه انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی ذاتاً متباین هستند. در انسان‌شناسی اسلامی، انسان به‌عنوان عامل شناسا، آگاه به اعمال خود و مسئول در قبال خود و جامعه شناخته شده است. حال آن‌که در انسان‌شناسی پسا ساختارگرا، انسان منفعل است. و آن‌چه اهمیت دارد ساختارها است که انسان بخشی از آن به حساب می‌آید. بدین ترتیب نوع نگاه پسا ساختارگرایی به انسان مکانیکی است. پسا ساختارگرایان آدمی را سوژه‌ای آگاه و صاحب اختیار ندانسته، براین باورند که ساختار ذهن یا ساختار زبان و فرهنگ عامل تبیین‌کننده فعالیت آدمی

است. به همین جهت سولومون در بحث از "طلوع و افول خود" در فلسفه اروپائی، از "پایان خود سخن" گفته است. وی معتقد است "پایان خود" یا "مرگ سوژه" را می‌توان در پساساختارگرایی یافت (سولومون، ۱۳۷۹، ص، ۸۷). پساساختارگرایی به "فطرت" به‌عنوان یک ساختار نگریسته، در حالی که در اسلام نمی‌توان برخی از امور فطری چون معرفت‌جوئی و خداجوئی را صرفاً به ساختارها محدود کرد. فطریات بالقوه در انسان وجود دارند و به فعل درآمدن آن تا حد قابل توجهی منوط به قصد و اراده آدمی و مشروط به شرایط ظهور و بروز آن است. آن چه وجه تمایز بارز رویکرد پساساختارگرایی با اندیشه اسلامی است، نسبی‌گرایی پساساختارگرایی است که براساس آن نمی‌توان هیچ اصل قطعی، کامل و مطمئن را در نظر گرفت. رد فرا روایت‌ها و ایدئولوژی‌هایی که قصد معرفی انسان کامل را دارند جزء ارزش‌های پساساختارگرایی است. در حالی که این ارزش در اسلام به‌عنوان یک ضد ارزش مطرح است.

در معرفت‌شناسی اسلامی جهان خارج از ذهن واقعی است و انسان قادر است جهان را همان‌گونه که هست درک کند. در حالی که در پساساختارگرایی، جهان فاقد حقیقت ثابت است، پس بازنمایی آن بی‌معنا است. در نظر ایشان حقیقت امری نسبی است. هر نظام معرفتی از تفاسیر مختلف به‌وجود آمده و هیچ شناخت کاملی از جهان هستی نمی‌توان ارائه نمود. در پساساختارگرایی حقیقت ساختنی است. حقیقت ساخته‌گفتمان‌ها و حاصل روابط قدرت است. به همین جهت خطاپذیری معرفت، تمرکززدایی از عقل معنا می‌یابد. به‌طور کلی اسلام و پساساختارگرایی دو نظام معرفتی متباین هستند که یکی به کشف حقیقت (اسلام) و دیگری به خلق معنا می‌پردازد.

در آموزه‌های تفکر انتقادی در اسلام، "نقد از خود" مقدم بر "نقد دیگران" می‌باشد. البته برخی از نظریه‌پردازان پساساختارگرا، چون ریچارد پل بدین نکته توجه داشته‌اند. پل تفکر انتقادی را به تفکر انتقادی ضعیف و قوی تقسیم کرده است. تفکر انتقادی ضعیف توانائی فکر کردن درباره دیگران و تفکر انتقادی قوی، توانائی فکر کردن درباره خود و "نقد خویشتن" است. پل دو عنصر را در تفکر انتقادی مهم می‌داند. نخست روحیه انتقادی است که شامل آمادگی، نگرش انتقادی و ویژگی شخصیتی است. دوم ارزیابی دلایل و ادعاهاست، شهید مطهری معتقد است برای درک حقایق، باید روحیه علمی داشت و بی‌طرفانه و بی‌غرض به حقایق نگریست.

از نقاط قوت تعلیم و تربیت پساساختارگرایا، نزدیک کردن نظر و عمل، توجه به خرده فرهنگ‌ها، روش تدریس مبتنی بر گفتگو، تعامل و مشارکت، جایگاه معلم به‌عنوان همکار و تسهیل‌کننده پیشرفت علم و تولید دانش، نقد برنامه‌های درسی و نیز نقد نظام امتحانات است. روش‌های تربیت تفکر انتقادی عبارت است از استفاده از نوشتار، خواندن نقادانه متن، شبیه‌سازی، گفتمان و ساختارشنکی.

بررسی ماهیت تربیتی تفکر انتقادی از دیدگاه اسلام و پسا ساختارگرایی

تفکر انتقادی در اسلام مبتنی بر پرورش قوه تمیز و تشخیص، داوری درست و انتخاب احسن است. از نظر اسلام تربیت عقلانی زیربنای تفکر انتقادی است. شیوه‌های تربیت عقلانی عبارتند از علم‌آموزی، خردورزی، تجربه‌اندوزی، تزکیه نفس، پرسشگری، مباحثه، جدال احسن یا مناظره و شرح‌صدر. موانع نقد عبارتند از هوای نفس، دلبستگی‌ها، غرض‌ورزی، پافشاری بر جهل، عدم آگاهی کافی، بردگی فکری و تبعیت از ظن و گمان.

به‌طور کلی تفکر انتقادی در اسلام با محوریت انسان و در جهت نیل به اهداف غایی اسلام است. حال آن‌که پسا ساختارگرایان با تمرکز بر ساختارهای اجتماعی، انسان را وسیله اصلاح ساختارها می‌دانند و هدف، "تربیت شهروند خوب" برای ساختن یک جامعه لیبرالیستی است. در واقع تفکر پسا ساختارگرا با نقد فرا روایت‌ها و ایدئولوژی‌هایی که قصد معرفی انسان کامل را دارند، با اندیشه اسلامی در تضاد است. تفکر انتقادی در اسلام در چهارچوب اصل قیاس‌ناپذیری برخی احکام و معارف دینی قابل قبول است. اسلام مبتنی بر اصول قطعی و مطلق است که خود به‌عنوان معیار معتبر نقد، مطرح است. حال آن‌که ماهیت تفکر انتقادی پسا ساختارگرا بر شالوده شکنی و رد فرا روایت‌ها استوار است.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند (۱۳۷۸). تهران: وزارت آموزش و پرورش
- اسدی، فاطمه، (۱۳۸۶) *ضرورت تفکر انتقادی و نقد و بررسی آن در مدارس متوسطه تهران*، دانشگاه الزهرا (س)
- باقری، خسرو (۱۳۸۷)، *درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران*، انتشارات علمی و فرهنگی
- بهشتی، سعید (۱۳۸۹)، *تربیت عقلانی از منظر امام علی (ع)*، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس
- جهانی، جعفر (۱۳۸۰)، *نقد و بررسی مبانی فلسفی الگوی آموزش تفکر انتقادی لیپمن*، دانشگاه تهران
- جمالی، نصرت الله (۱۳۸۹)، *روش گفتمان یا مناظره*، قم، مهدیه
- خمینی، سید روح الله (۱۳۷۱)، *شرح چهل حدیث*، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم
- دشتی، زهرا (۱۳۸۴) *مبانی معرفت‌شناسی پسا ساختارگرایی و نقد دلالت‌های تربیتی آن*، دانشگاه تربیت مدرس
- دایک، تئون ای، وان (۱۳۸۲) *گفتمان*، ترجمه: گروه مترجمان، ویراستار مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- سولومون، رابرت ک (۱۳۷۹)، *فلسفه اروپایی: از نیمه دوم قرن ۱۸ تا واپسین دهه قرن ۲۰. طلوع و افول خود/ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی*، تهران: قصیده
- شریعتمداری، علی (۱۳۸۲)، *پرورش تفکر*، تهران، انتشارات پژوهش ابن‌سینا.

شریعت‌مداری، علی (۱۳۷۱)، "فلسفه"، مسائل فلسفی، مکتب‌های فلسفی و مبانی علوم، پچاپ چهارم، تهران جهاد دانشگاهی.

شعبانی، حسن، (۱۳۸۲) روش تدریس پیشرفته (آموزش مهارت‌ها و راهبردهای تفکر)، تهران، انتشارات سمت

طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۱ ق/۱۹۷۲ م)، *المیزان فی تفسیر المیزان*، بیروت: منشورات الاعلی المطبوعات

فرمهبینی فراهانی، محسن (۱۳۷۸)، فرهنگ توصیفی علوم تربیتی، تهران، انتشارات اسرار دانش

فلسفی، محمد تقی (۱۳۶۸)، *الحدیث، روایات تربیتی*، ج ۱، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی

گوتک، جرال دال (۱۳۸۰) *مکاتب فلسفی و آرا تربیتی*، ترجمه محمد جعفر پاک سرشت، تهران: سمت

مطهری، مرتضی (۱۳۶۱) *انسان کامل*، چاپ بیستم، انتشارات صدرا

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۳۷۹)، ج ۲، ترجمه موسی خسروی، *انتشارات اسلامیه*، تهران

میلر، جان، (۱۳۸۳) *آموزش و پرورش و روح*. ترجمه مهرمحمدی. نشر فراشناختی اندیشه. تهران

نوذری چگینی، (۱۳۸۵) بررسی مفهوم و جایگاه تفکر انتقادی در کتاب فارسی سال اول دوره راهنمایی

تحصیلی، دانشگاه پیام نور واحد خوی

هارلند، ریچارد (۱۳۸۰)، «*برساخت‌گرایی: فلسفه ساختارگرایی و پساساختارگرایی*»، ترجمه فرزاد

سجودی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری.

Aggarwal, J. C. (1997). *Essentials OF Examination New Delhi*, vikas publishing House

Ennis, R. (1996). *Critical Thinking*, (Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall.

Beyer. B. K (1985), *Critical thinking, social education*, pp. 270-276

Fathhullah, Mohammad Hussain (2003), "Islam The Religion of Dialogue" Beirut, Almalak Edition

Fisher. A (2001), *Critical thinking, an introduction*, the university press of Cambridge, <http://www.Cambridge.org>.

Sansanwal, D. N. (1995). "Multiple Models of Teaching for Education "New Delhi, vikas publishing House"

Stella, Cottrell(2005). "Critical Thinking Skills", *Developing Effective Analysis and Argument*, palgrave, Macmillan.

Joyee, B. and weil, M, (1986). "Models of Teaching" Third Edition, New Jersey, prentice-Hall

Vkell, A (1989). "Curriculum Theory and Practice", third Edition. London, Paul chapman.

Moon, Jennifer (2008). 'critical Thinking An Exploration of Theory and Practice, RoutledgeFalmer, Taylor & Francis Group, London & New York.

Walsh, D. and Pual, R. (1988). *The goal of critical thinking: from educational ideal to educational reality*. Washington, D.C.: American Federation of Teachers.